

انتشارات ایران‌شهر

شرح حال سید جمال الدین

سر آغاز کتاب شرح حال سید جمال الدین شماره ۱۴ از انتشارات ایران‌شهر

حکما گفته‌اند که ابراز حق شناسی و تکریم در باره بزرگان نشانه نجابت و بزرگی است. این مسئله نه تنها در روابط افراد با یکدیگر بلکه در زندگی اجتماعی ملتها نیز حقیقت و اهمیت دارد و بقدر حفظ آثار عتیقه و صنایع ظریفه جالب دقت است. اظهار قدردانی و حرمت در حق مردان نامور و صاحبان فضل و هنر در میان يك ملت از يك طرف نام و نشان و عظمت مدنی آن ملت را از محو شدن نگه میدارد و او را در نظر تاریخ و اهل تحقیق بزرگ مینماید و از طرف دیگر برای افراد نسل حاضر و نژاد آینده مایه تشویق و سر بلندی و وسیله پرورش دادن حس غرور و قوه اراده می‌گردد!

چون در هر يك از اعمال بشر يك سابق و محرك مادی یا معنوی موجود است یعنی هر يك از کارهای ما تکیه يك امید نفع مادی و یا معنوی میکند پس در مساعی و فداکاریهای بزرگ نیز امیدها و سایقهای بزرگ لازم است و آن جز تشویق و تکریم و تبجیل چیز دیگر نیست. از اینرو هر قدر نام بزرگان يك قوم بحرمت یاد و خدمات آنان بسط و شرح و تقدیس کرده شود بهمان درجه حس سعی و فداکاری و خدمتگذاری در نهاد افراد پرورش و قوت می‌یابد. حس تقدیر، يك نوع مکافات اجتماعی است و این حس نه تنها در باره زندگان بلکه در حق مردگان نیز باید بعمل بیاید تا بمشاهده آن، زندگان نیز قوت قلب دریابند

و بزحمات سترگ تن در داده خود را بمقام بلند برسانند. در کیفیت تقدیر خدمات يك شخص نیز دو نکته را که اغلب ایرانیان در فهم و محاکمه آن بخطا میروند در نظر باید گرفت. یکی این است که درجه خدمت يك شخص را يك هیت جامعه بنسبت اثراتیکه در اوضاع زمان حیات خود بخشیده تقدیر باید کرد نه از نقطه نظر اهمیت آن خدمت در عصر کنونی یا در يك عصر دیگر. مثلاً وقتیکه میخواهیم بگوئیم که فلان پادشاه و یا فلان فیلسوف و عالم و یا فلان ادیب و شاعر چه خدمتها بجامعه خود کرده اولاً باید اوضاع زمانی را که او در آن زندگی کرده، تدقیق کنیم و ثانیاً اثراتی را که اعمال و افکار او در زمینه فعالیت مخصوص خود تولید کرده پیش نظر بیاوریم تا بزرگی و اهمیت خدمت او معلوم شود. و اگر برعکس، اعمال او را با مقتضیات زمان خودمان مقایسه و محاکمه نمائیم البته بخطا خواهیم رفت چنانکه بسیاری از متجددین ایران از همین راه بخطا میروند و اغلب بزرگان و ادبا و متفکرین و علمای ایران را عاری از هر گونه مزیت و فضیلت می شمارند!

نکته دوم این است که اگر يك مرد نابه منتهای ذکاوت و قدرت و لیاقت خود را بکار انداخته ولی بسبب تهاجم موانع گوناگون و یا وفا نمودن عمر موفق به ایفای نیات خود نشده باشد باز هم از مقام و علویت او نباید کاسته شود چنانکه مجاهدات در راه حق ولو اینکه نتیجه ندهد در نزد خدا باز مثاب و مقبول است. چه اساس در حسن نیت و بذل جد و جهد است.

بنا بر این سید جمال الدین اسد آبادی را یکی از نوابغ سیاسی و متفکرین قرن اخیر ایران میتوان شمرد. اگر چه مقصد اساسی و غایه سیاسی او که عبارت از توحید ملل اسلامی یعنی

اتحاد اسلام بود امروزه قیمت عملی و اهمیت اجتماعی ندارد و تقریباً این موضوع از میان رفته است و گرچه سید معظم در پیش بردن این مقصد يك موفقیت قابل توجه احراز نکرد و جهالت و غفلت دول اسلامی از ثمر دادن این شجره فکر مانع آمد ولی باز مقام او در نزد عقلا و سیاسیون و متفکرین غرب و شرق بلند است و همیشه مایهٔ مفخرت ایران شمرده خواهد شد چه میتوان گفت که اغلب نهضت‌های علمی و سیاسی ملل اسلامی در عهد اخیر از منبع فیض تبلیغات و تلقینات او آب خورده است.

ایرانی همواره بوجود چنین مرد بزرگ که نه تنها در موطن خود بلکه در اغلب ممالک اسلامی و در نزد اقوام مهم غرب مصدر آن همه نفوذ کلمه و اصابت نظر و مورد آن همه توقیر و احترام گشته است، البته افتخار باید کند و نام او را در ردیف نوابغ بی نظیر تاریخ خود ثبت نماید تا بدین وسیله هم شکران نعمت و اظهار قدرشناسی کرده و هم در پیش چشم نوباوگان نژاد نوزاد خود يك تمثال همت و فضیلت و يك نمونهٔ عزم و اراده و يك مجسمهٔ متانت و بردباری گذاشته باشد.

این کتاب که جزو اول از شرح حال سید جمال الدین را تشکیل میدهد قسمت اساسی آن بقلم مرحوم میرزا لطف الله خان اسد آبادی که همشیره زادهٔ سید بوده نگاشته شده است و مومی الیه در سال ۱۳۴۰ هجری برحمت ایزدی پیوسته و این کتاب را فرزند برومند ایشان آقای صفات الله خان اسد آبادی استساخ کرده و برای چاپ به ادارهٔ ایران‌شهر فرستاده‌اند.

راجع بشرح حال سید جمال الدین، تاکنون تفصیلاتی در بعضی از کتب اروپائی و عرب و فارسی نوشته شده است ولی در هیچکدام از روی قطع و تحقیق مولد و اصل و نسب آن مرد

بزرگ را ذکر نکرده‌اند و تا کنون اصلاً در اسد آبادی و ایرانی بودن آن سید بزرگوار شبهه و تردید داشته‌اند.

این کتاب هر گونه شبهه و شك را در این باب از راه می‌کند و ثابت می‌سازد که سید جمال الدین ایرانی و اسد آبادی بوده است و هنوز از بستگان و خویشاوندان آن مرحوم در اسد آباد زنده هستند.

میرزا لطف‌الله خان همشیره‌زاده مرحوم که نگارنده این شرح حال است خود در هر دو بار توقف سید در طهران همراه او بوده و به بسیاری از حالات خصوصی و صفات و جزئیات اعمال و افکار سید پی برده است و در عکسی که سید در طهران با حضور جمعی از علما انداخته است میرزا لطف‌الله خان نیز در پشت سر سید سر یا ایستاده دیده می‌شود.

اما مفیدترین شرح حالیکه راجع به سید در زبان فارسی نوشته شده است همانا شرحی است که آقای تقی‌زاده در سال دوم جریده کاوه در شماره ۳ و ۹ مرقوم داشته و در آنجا خلاصه نوشته‌های اروپائی و شرقی را جمع و تطبیق کرده تاریخ زندگانی سید را تا یک درجه روشن ساخته‌اند ولی باز از اظهار تردید در ایرانی بودن سید خودداری نفرموده و در آخر مقاله نوشته‌اند که ایرانی بودن سید قریب به یقین شده است. در ضمن همان مشروحه کاوه در صفحه ۱۰ شماره ۳ چنین نگاشته شده است:

«یکی از آشنایان که در طهران با او مدتی در سفر اولش هم‌منزل بوده و در روسیه هم او را مکرراً دیده روایت می‌کند که در سفر اول بطهران جوان ایرانی که بعد معلوم شد که همشیره‌زاده سید بوده همراه بود و سید دو سه صندوق کتب عربی همراه داشت که بتوسط آن جوان به همدان فرستاد.»

این جوان بلاشك همین میرزا لطف الله خان است زیرا در همین کتاب خود مینویسد که سید کتابهای خود را در چند صندوق کرده توسط او منزل حاجی امین الضرب امانت گذارد. مرحوم میرزا لطف الله خان که در سال ۱۳۳۹ یعنی در موقع چاپ کاوه زنده بوده ازین شرح حال مندرج در کاوه نیز استفاده کرده و حتی در بعضی جاها عین عبارت کاوه را استعاره و استعمال نموده است.

با وجود این، نگارش میرزا لطف الله خان بسیاری از وقایع خصوصی و تاریک زندگی سید و مخصوصاً گذارش اینم صباوت و بعدها گفتگوهای او را با ناصر الدین شاه روشن میسازد و در هیچ يك از کتبی که راجع بشرح حال سید سخن رانده‌اند بدین تفصیلات دسترس نمیشود و با اینکه در ذکر بعضی از وقایع اختلاف تاریخ و مابینت با نوشته‌های دیگر دارد باز ما بدانها دست نزدیکیم و بحال خود گذاشتیم.

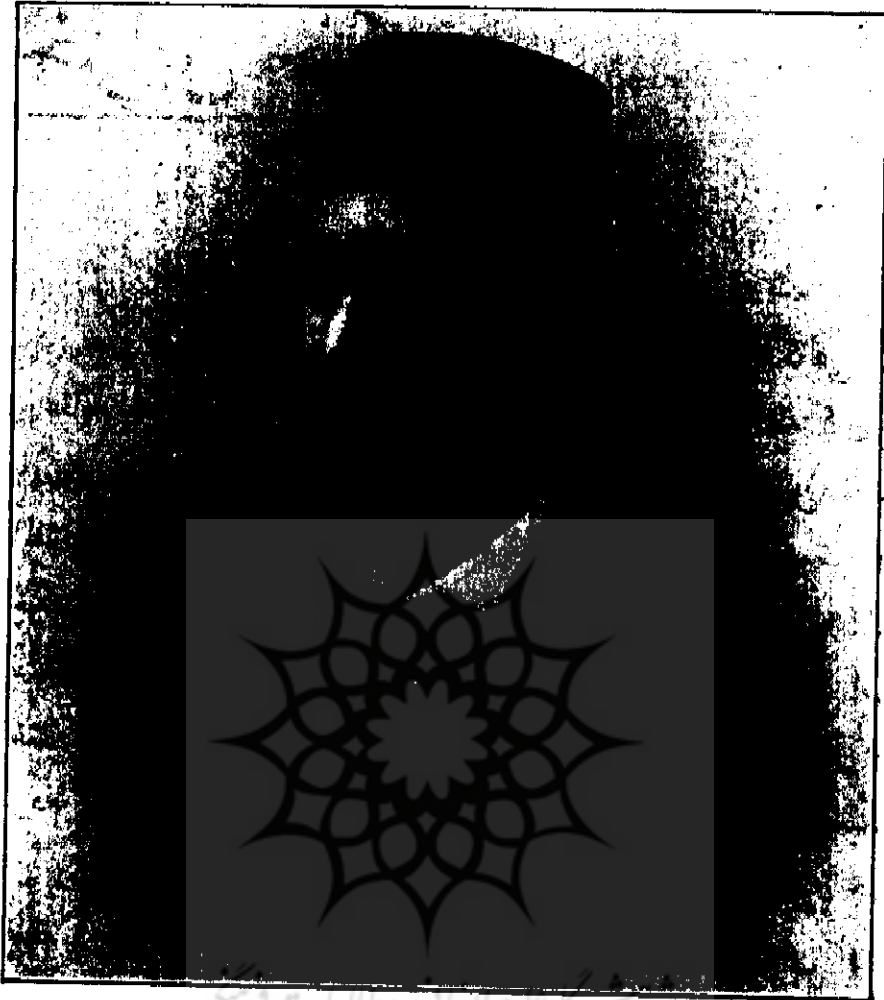
ما چنانکه در مجله هم نوشته بودیم در نظر داشتیم علاوه بر این شرح حال، کلیه آثار فکری و قلمی سید را هم که باز میرزا لطف الله خان جمع کرده و اغلب آنها در هیچ جا چاپ نرسیده در يك جلد بزرگ چاپ کنیم و بهمین ملاحظه دو سه بار در مجله هم تقاضا کردیم که هر يك از فضلا و ادبا و ارباب اطلاع در داخل و خارج ایران چیزی تازه و نگفته در باره زندگی و افکار و اعمال و آثار سید میدانند محض خدمت بعالم معارف و ترقی ایران برای ما بنویسد تا ضمیمه کنیم. ولی از يك طرف برای معاونت بمخارج چاپ همت کافی ابراز نشد و از طرف دیگر غیر از سه نفر که عبارت از جناب میرزا حسین خان عدالت و آقای سید محمد توفیق که خود منسوب بخانواده سید هستند

و آقای میرزا حسین خان دانش باشند شرحی دیگر در باره سید از کسی نرسید لهذا ما هم عجلتاً بطبع جلد اول اکتفا نمودیم و مشروحه‌های فضلی مزبور را نیز که بسیار مفید میباشد در جزو ملحقات درج میکنیم.

و نیز شرحی را که در جریده ترکی «وطن» منطبعة اسلامبول بقلم عیسی خان افغانی نوشته شده است با چند قطعه اشعار بقلم آقای میرزا لطف الله خان و حاج سید هادی و آقای میرزا صادق بروجردی که در باره سید گفته‌اند بدین ملحقات ضمیمه کردیم تا بیشتر مورد استفاضه خوانندگان گردد.

درینجا لازم میدانیم که از آقای آقا میرزا علی محمد کاشانی که مبلغ ۴۰ لیره برای کمک بمخارج چاپ این جلد مرحمت نموده‌اند بنام معارف ایران تشکر کرده از ارباب همت تقاضا کنیم که برای مخارج چاپ جلد دوم نیز ابراز فتوت بنمایند و ارباب اطلاع نیز هر چه در باب حالات و افکار و اقدامات سید معلومات دیگری دارند برای ما بنویسند تا در جلد دوم کتاب درج شود.

در باره شخصیت سید و افکار فلسفی و عقاید اجتماعی او در این مشروحه چیزی ننویسیم و انشاء الله در نشر جلد دوم کتاب که مقاله‌ها، خطابه‌ها، مذاکره‌ها، تألیفات و مخصوصاً مباحثه او با فیلسوف و نویسنده فرانسوی «ارنست رنان» را حاوی خواهد بود، راجع بعقاید و افکار فلسفی و اجتماعی سید نیز شرحی خواهیم نگاشت. و حالا همینقدر متذکر میشویم که زندگانی پر انقلاب و بازحمت و آزاده غیرمتزلزل و متانت این نابغه ایران برای هر فردی که آرزوی ترقی دارد سرمشق باید شود.



تصویر جناب میرزا علی محمد کاشانی مقیم کلکته که مبلغ چهل لیره برای مخرج طبع این کتاب از کیسه فتوت خود بذل کرده‌اند و ما هم بدین وسیله قیمت کتاب را از سه شلنگ یک شلنگ و نیم تنزل دادیم تا هر کس بتواند استفاده کند.

Mr. Ali Mohamad Kashani, persian general merchant in Calcutta, who has contributed the Print of the Biographie of Seyed Djemal-ud-Din with 40 Pounds.